

بررسی انواع تکثر سیاسی در دولت اسلامی

سفارش به تکثر سیاسی ذیل پرچم اسلام



■ **حسین صلح‌جو**

مشارکت مردم در امور سیاسی دارای ملزومات و پیش‌نیازهایی است که از آن جمله پذیرش تکثر سیاسی است و از آن می‌توان به عنوان مشارکت «نهاده‌مند» دردموگراسی یاد کرد. منظور از وجود این کثرت سیاسی، وجود و تحرک گروه‌ها و احزاب سیاسی است که فعالان و کنشگران سیاست در قالب آنها سلایق مختلف و گاه متعارض خود را دنبال و ساماندهی می‌کنند. هدف چنین تشکیلات و نهادهایی عمدتاً دستیابی مراکز قدرت در حکومت و تصدی آنها به منظور اعمال ایده‌ها و دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... است. در جامعه سیاسی معتقد به تکثرگرایی مبتنی بر اصول شفاف هر یک از نهادهای سیاسی والیته دارای اشتراک و توافق در برخی ارزش‌های مشترک (از جمله ارمان پیشرفت کشور و وحدت در سطح ملی) احزاب یا جناح‌های در قدرت، همواره در تقاضای رقابتی متکثر، اولاًگاهی از قدرت، در تلاش ارائه خط‌مشی‌ها و برنامه‌هایی است که بتواند حداکثر منافع‌ها را تأمین و بیشترین حجم حمایت‌های مردمی را حفظ کند. در نتیجه این کنش‌ورزی سیاسی در حضور رقابتی متکثر، اولاًگاهی و فهم عمومی سیاسی و تشکیلاتی مردم ارتقا می‌یابد و ثانیاً مصالح نظام و سیاست‌های حاکم به مصالح عامه نزدیک می‌شود، چرا که حزب حاکم در حضور احزاب قدرتمند معارض می‌داند به منظور بقا نیازمند تشخیص و حرکت بر مبنای مصلحت عمومی است و در غیر این صورت در فرآیند مشارکت عمومی، رفته‌رفته از گردونه قدرت و نهادهای سیاسی حذف خواهد شد.

■ **احزاب ملی، احزاب محلی**

تکثر سیاسی را می‌توان در ابعاد مختلف میان احزاب و گروه‌ها دنبال نمود. به عنوان مثال سطح و میزان فراگیری فعالیت نهادهای سیاسی می‌تواند در تکثر سیاسی مؤثر باشد و هر چه احزاب محلی توسعه یابد، به تبع آن تکثر عقاید سیاسی نیز افزایش می‌یابد. لذا در یک دسته‌بندی می‌توان احزاب متکثر سیاسی را در یک جامعه اسلامی به چند نوع متفاوت تقسیم کرد. از منظر بعد و فراگیری عملکردی، می‌توان نهادهای سیاسی را در دو دسته «منطقه‌ای» و «ملی» جای داد. گروه‌های منطقه‌ای جماعت‌هایی فعال در امور سیاسی در محدوده محلی‌اند که عموماً متکی به منابع محلی هستند. چنین گروه‌هایی سیاست‌های محلی را دنبال می‌کنند، چه زمانی که در قدرت هستند در جایگاه اعمال‌کننده این سیاست‌ها، چه زمانی که به عنوان احزاب رقیب در حاشیه هستند به عنوان ناظر و ناقد سیاست‌های حزب محلی حاکم. طبعاً به منظور اعمال این سیاست‌ها در زمان حضور در قدرت از تصدی نهادهای اجرایی از قبیل استانداردها، شهرداری‌ها، ادارات و دانشگاه‌های محلی به منظور اعمال سیاست‌های خود بهره می‌گیرند و خارج از فضای قدرت نیز عمدتاً توسط رسانه‌ها و مطبوعات به نقد قدرت‌های محلی می‌پردازند، این احزاب و گروه‌ها در عین حال در کنش‌ورزی‌های ملی و رویدادهای سیاسی در سطح کشور نیز نقش آفرینی داشته و با هم‌راستایی دائمی با متناوب با احزاب و گروه‌های ملی، به تقویت مشارکت در سطح کشور کمک می‌کنند.

مزایای تکثرگرایی در سطح منطقه‌ای بسیار فراوان است به طوری که قدرت‌های محلی سیاسی را از رخنه و تنبلی بیرون آورده و با وجود هشدار و زنگ خطر وجود یک رقیب، آنان را که عمدتاً منبع مشروعبیت اصلی خود را وابسته به آرای عمومی نمی‌دانند، با ابزار و فشار و بازنامی مخاطرات سیاست‌های غلط، خواسته یا ناخواسته وادار به کار می‌کند. گرچه در فضای سیاسی کشورهای ناهمگون از نظر قومیت‌ها می‌توان آسیب بالقوه‌ای مانند قدرت گرفتن احزاب

دارای عقاید جدایی طلبانه را نیز - خصوصاً بنابر تجربه سیاسی کشور ایران در ابتدای انقلاب اسلامی- برای کارکردهای محلی احزاب در نظر گرفت که البته با افزایش بلوغ سیاسی و نیز لزوم اجماع بر ارزش‌های ملی حین تأسیس احزاب محلی، می‌توان از چنین تهدیدهایی پیشگیری کرد. به رغم گروه‌های محلی، احزاب در سطح ملی عمدتاً برنامه‌ها و فعالیت‌های فراگیر دارند. چنین احزاب و گروه‌هایی، نظر به سیاستگذاری کلان دولت دارند و البته با تأسیس دفاتر و حوزه‌های حزبی- جناحی در سطح منطقه و به صورت محلی یا با استفاده از ظرفیت احزاب محلی عقاید سیاسی خود را سازماندهی و بین مردم تبلیغ می‌کنند. رسانه‌ها و نشریات آنها در سطح ملی منتشر می‌شود و موضوعات کلان حکومتی را در برمی‌گیرد. به صورت پیوسته تلاش می‌کنند به جذب و تربیت نیروهای کارآمد به منظور گروه‌ها، دستیابی به اکثریت‌های پارلمانی، پیروزی در رقابت‌های ریاست جمهوری و به طور کلی قبضه کردن مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور، به منظور اجرای دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود در سطح ملی و کشوری است.

■ **احزاب اسلامی و غیراسلامی**

احزاب سیاسی را همچنین در یک جامعه اسلامی از نظر گرایش دینی می‌توان به دو بخش عمده احزاب دارای عقاید اسلامی و احزاب دارای عقاید غیر اسلامی (سکولار- ضداسلامی) تقسیم کرد.

منظور از احزاب اسلامی، گروه‌هایی است که معتقد و ملزم به اصول اعتقادی اسلام در سیاستگذاری و اجرای سیاست‌ها هستند. این دسته معتقد به نقش حداکثری دین در مناسبات سیاسی و سایر شئون



اسلام بر مبنای نظام اعتقادی که دارد نسبت به دو نوع تکثرگرایی در احزاب اسلامی و غیر اسلامی موضع متفاوت دارد. به نظر می‌رسد «دولت اسلامی» در باب احزاب غیر اسلامی موضع سلبی دارد ولی در خصوص احزاب اسلامی علی‌الاصول و بر اساس مقررات و چارچوب‌هایی که در نظریه‌های گوناگون اسلامی متفاوت می‌نماید، دیدگاه مثبتی دارد

مرتبط با حکومتداری هستند و به ضرورت مطابقت دادن الزامات حیات سیاسی با شرع و دیانت تأکید می‌کنند.

تجربه سیاسی احزاب اسلامی نشان می‌دهد حضور چنین احزابی در جامعه نه تنها مخالف تکثرگرایی سیاسی نخواهد بود بلکه در راستای تنوع سیاسی نیز حرکت خواهد کرد، چرا که تفاسیر و قرائت‌هایی نسبت به سطح و شیوه کارکرد دین در عرصه اجتماع، خود طیف متنوعی از احزاب و گروه‌های سیاسی را به وجود می‌آورد که به رغم اشتراک در لزوم «اسلامی بودن» سیاست، در کیفیت اجرا و میزان کاربست دین در سیاست اجرا و میزان کاربست دین در سیاست دارای تعارضات فکری هستند و می‌توانند رقبای سیاسی جدی برای یکدیگر محسوب شوند.

احزاب غیر اسلامی نیز به اصول اعتقادی اسلام ایمان یا التزام ندارند یا دین را صرفاً باورهای فردی در نظر گرفته که احکام شریعت آن کاربردی در کنش ورزی و اعمال سیاست‌های ملی ندارد.

■ **تکثرگرایی سیاسی در دولت اسلامی**

اسلام بر مبنای نظام اعتقادی که دارد نسبت به دو نوع تکثرگرایی در احزاب اسلامی و غیر اسلامی موضع متفاوت دارد. به نظر می‌رسد «دولت اسلامی» در باب احزاب غیر اسلامی موضع سلبی دارد ولی در خصوص احزاب اسلامی علی‌الاصول و بر اساس مقررات و چارچوب‌هایی که در نظریه‌های گوناگون اسلامی متفاوت می‌نماید، دیدگاه مثبتی دارد.

■ **احزاب و گروه‌های اسلامی**

بر مبنای آنچه از نظرات دینی قابل استخراج است، تکثرگرایی سیاسی در شریاطی که مبتنی بر اصول عقاید و شریعت اسلامی باشد، نه تنها قابل پذیرش بلکه مورد استقبال است. چنانچه پیامبر اعظم اختلاف رأی و نظر درون چارچوب اسلام را نشانه رحمت خداوند می‌داند(اختلاف امتی رحمه). در چارچوب این نوع تکثرگرایی، احزاب سیاسی، به حاکمیت خداوند اعتقاد دارند و ملزم به عدم مخالفت احکام سیاسی با منابع دینی و نصوص و سنن هستند. دیانت اسلام را تنها منبع وحید قانونگذاری می‌دانند و اعلام می‌کنند در صورت دستیابی به قدرت سیاسی، به اندازه یک بند انگشت نیز از اصول و مبانی اسلامی تخطی نخواهند کرد.

بر مبنای رویدادهای تاریخی و تجاریه که خصوصاً در دو سده اخیر در زمینه احزاب و گروه‌های اسلامی به چشم می‌خورد؛ احزاب و گروه‌های اسلامی که در سطح منطقه‌ای یا ملی فعالیت می‌کنند، به لحاظ مبانی کلامی و اجتهادی به دو نوع احزاب مذهبی - فقه‌ای و احزاب فقهی - اجتهادی قابل تقسیم هستند. هرچند منابع موضوعی و مقالات پیرامون کارکرد احزاب اسلامی فرقه‌ای چندان زیاد نیست و نشان می‌دهد این



تجربه به سیاسی احزاب اسلامی نشان می‌دهد حضور چنین احزابی در جامعه نه تنها مخالف تکثرگرایی سیاسی نخواهد بود بلکه در راستای تنوع سیاسی نیز حرکت خواهد کرد، چرا که تفاسیر و قرائت‌هایی نسبت به سطح و شیوه کارکرد دین در عرصه اجتماع، خود طیف متنوعی از احزاب و گروه‌های سیاسی را به وجود می‌آورد که به رغم اشتراک در لزوم «اسلامی بودن» سیاست، در کیفیت اجرا و میزان کاربست دین در سیاست دارای تعارضات فکری هستند و می‌توانند رقبای سیاسی جدی برای یکدیگر محسوب شوند

مرتبط با حکومتداری هستند و به ضرورت مطابقت دادن الزامات حیات سیاسی با شرع و دیانت تأکید می‌کنند. تجربه سیاسی احزاب اسلامی نشان می‌دهد حضور چنین احزابی در جامعه نه تنها مخالف تکثرگرایی سیاسی نخواهد بود بلکه در راستای تنوع سیاسی نیز حرکت خواهد کرد، چرا که تفاسیر و قرائت‌هایی نسبت به سطح و شیوه کارکرد دین در عرصه اجتماع، خود طیف متنوعی از احزاب و گروه‌های سیاسی را به وجود می‌آورد که به رغم اشتراک در لزوم «اسلامی بودن» سیاست، در کیفیت اجرا و میزان کاربست دین در سیاست دارای تعارضات فکری هستند و می‌توانند رقبای سیاسی جدی برای یکدیگر محسوب شوند

موضوع مورد مطالعه کارشناسانه قرار نگرفته است، اما به نظر می‌رسد در صورت طرح درست مسئله در حوزه‌های مذاهب اسلامی، به ویژه در شرایط کنونی که سیاست تقرب مذاهب در جهان اسلام به جد مطرح است، راه چندان درازی در کشف راه و کارهای کلامی و فقهاتی تکثرگرایی اسلامی نباشد. در عین حال، به دلایل اختلافات مهم تاریخی - کلامی در بین مذاهب اسلامی، تکثرگرایی معطوف به احزاب مذهبی- فرقه‌ای با موانع به نسبت بیشتر و پیچیده‌تری روبه‌رو است اما احزاب فقهی -اجتهادی که مبانی کلامی یک مذهب از مذاهب اسلامی را پذیرفته‌اند، به ویژه در شرایط کنونی کشور ایران که اکثریت قریب به اتفاق مردم معتقد به مذهب شیعه هستند، با هیچ گونه مشکل اصولی و مبنایی مواجه نخواهند بود.

این دسته از احزاب و گروه‌های سیاسی ضمن اعتقاد به اصول و مبادی شیعی، صرفاً در وسایل و روش‌های حکومت و اداره امور عامه، اختلاف و «قیات» دارند؛ اختلافاتی که علی‌الاصول یا ناشی از دیدگاه‌های فقهاتی است یا حاصل «مرجعیت مردم در شناخت و تعیین موضوعات سیاسی» که در نظام فقه اسلام پذیرفته شده است.

در تکثرگرایی اسلامی نوع اخیر که می‌توان آن را تکثرگرایی فقهاتی -اجتهادی هم نامید، نظریه‌های اجتهادی نخبگان مذهبی -سیاسی یعنی علما و مجتهدانی که فعالان عرصه دین و سیاست هستند و نیز گروه‌ها و جماعتی که کارشناسی موضوعات سیاسی بوده و به عبارتی «خبرگان سیاست» هستند بر مبنای فعالیت‌های حزبی را تشکیل می‌دهند. این نخبگان به میزان و تعداد حامیان و طرفدارانی از عامه مردم که به نظر و عمل آنان با تأیید و احترام می‌نگرند، از قدرت رقابت و مشارکت در قلمرو دولت و به طور کلی امر سیاسی برخوردار خواهند بود.

به هر حال، چنین می‌نماید که در فرهنگ اسلامی به ویژه نظام فقهاتی شیعه، نوعی از تکثرگرایی به چشم می‌خورد که از لحاظ نظری قابلیت تبدیل به «پلورالیسم سیاسی» یا «حزب اسلامی» را دارد. از دیدگاه شیعیان، (و نیز دیگر نظام‌های فقهاتی) در مباحث اجتماعی - سیاسی به این دلیل که اغلب امور نظری هستند، راه اجتهاد، اظهارنظر و امر به معروف و نهی از منکر باز است. چنانکه امام خمینی(قدس سره) می‌فرماید: «ظاهرانظر، امر به معروف و نهی از منکر و به‌طور کلی هرگونه فعالیت سیاسی تا زمانی که به منازعه و جرح و قتل منجر نشوند؛ نیاز به استیذان و اذن ولی فقیه نخواهند داشت.» منتها این تکثر نظری و در نتیجه، سیاسی - اجتماعی، با اختیارات و احکام ولایی ولی فقیه رابطه طرفینی دارد که در نظریه‌های متفاوت شیعی نسبت‌ها و شقوق گوناگونی پیدا می‌کند که در فرصتی مبسوط نیازمند بررسی است.

■ **فرجام سخن**

به‌طور خلاصه می‌توان بر اساس نظرات پژوهشگران اسلامی چنین برآورد کرد که کارکرد نهادهای سیاسی و تکثرگرایی سیاسی در دولت اسلامی به این مفهوم است که هر حزب اسلامی در راستای قطب‌بندی مردم و اقناع آنان درباره صحت و فایده‌مندی برنامه‌های حکومتی خود در صورت دسترسی به قدرت سیاسی فعالیت کند. تنوع نظرات و سلایق منطقه‌ای و ملی در چارچوب دین و در حدی که به تنش‌های فرقه‌ای منجر نشود سازنده و پیش‌برنده جامعه اسلامی خواهد بود و مشارکت سیاسی در این راستا از جمله امور مورد توصیه دین است. این جنس فعالیت‌ها ضمن احترام به اصول و مبادی اسلامی بر مبنای مشروعبیت اجتهادات اختلافی در حکومت و اداره جامعه استوار است و مبنای مشترک میان احزاب سبب وحدت در عین تنوع و کثرت خواهد بود که در فلسفه سیاسی اسلامی نیز مدحود بوده است.

درنگ



کنشگری سیاسی فعال در مواجهه با منتخبان مجلس

■ **حسین کچوئیان***

متن پیش‌رو یادداشت حسین کچوئیان، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد جامعه‌شناسی دانشکاه تهران است. وی در این متن به ارائه پیشنهادی مبنی بر کنشگری فعالانه و انتقادی جامعه انقلابی فراتر از نظارت بر مجلس پرداخته و صحابه انقلاب را به هدایت ایجابی نمایندگان از حیث اندیشه‌ورزی، بر نامه‌سازی، تدوین سیاست و سیاستگذاری دعوت کرده است. وی همچنین بر اهمیت و ضرورت فرآیند تأیید و رد اعتبار نامه‌های منتخبان نمایندگی برای دستیابی به مجلسی سالم و پاک تأکید کرده است. ■ ■ ■

پیروزی جبهه انقلابی در انتخابات مجلس باید به کنشگری فعالانه و انتقادی عمومی تکمیل و تقویت شود. راه هدایت انتقادی منتخبان، تلاوم کنشگری انتقادی تمامی افراد جبهه انقلابی است: از هم‌اکنون باید ضمن ایجاد اجماع نظری و عملی بر سر لزوم ایفای نقش هدایتگری انتقادی عمومی خاصه نیروهای انقلابی، کار را برای توافق بر سر برنامه‌ای مشخص برای کنشگری از حیث موضوعات و شیوه‌های انجام آن مهیا سازیم.

اتخاذ رویه یا رویکرد هدایتگری انتقادی به این معناست که منتخبان نمایندگی یک لخته از حیث هدایت به سمت تحقق اهداف جبهه و اثتلاف که در واقع اهداف انقلاب اسلامی مطابق با اقتضات مرحله تاریخی کنونی باالخص گام دوم است فارغ نشوند. این هدایتگری خاصه متوجه نظارت و مهار نمایندگان از حیث عدم انحراف از مسیر دستیابی به اهداف این مرحله است. این نظارت و مهار همه جانبه باید ناظر بر انطباق یا شاخص‌های زندگی معیار یک نماینده انقلابی و عدم تخطی از آن باشد و خاصه وجهی جمعی دارد

که باید درصدد کنشگری نمایندگان در داخل برنامه و اهداف نیروهای جبهه انقلاب باشد. این کنشگری فعالانه و انتقادی عمومی نیروهای پیشرو انقلابی یا صحابی عمومی انقلاب، صرفاً محدود به نظارت و مهار نمی‌شود، بلکه بخش مهم و اصلی آن به هدایت ایجابی نمایندگان از حیث اندیشه‌ورزی، برنامه‌سازی، تدوین سیاست و سیاستگذاری در زمینه‌های مختلف مورد لزوم برای حرکت مجلس در مسیر خود است. از این حیث صحابی عام انقلاب نظیر خود نمایندگان اما در عرصه جامعه و بدون محدودیت‌های رسمی خاص نمایندگان می‌باشند. هدف و مقصد این است که به واقع این گروه نیز نمایندگانی عماره فضایل ملت باشند و تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود در جامعه را از جهت سیاست ورزی خاص نمایندگان در اختیار داشته باشند. به این معنا نیروهای انقلابی باید جامعه را به صحن دوم یا پشتیبان مجلس بدل کنند. این راهبرد از طرق مختلف مانند تأسیس کانون‌های اندیشه‌ورزی و تفکر یا سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در کنار مجلس قابل تحقق است.

اجمالاً مشخص است که با این کنشگری فعالانه انتقادی، مجلس واجد نیروی محرکه و متفکرهای به اندازه ظرفیت عمومی نیروهای انقلابی خواهد شد که نه تنها قابلیت‌ها و توان نظری و عملی آن را چند برابر می‌کند، بلکه جایی برای اخوت، روزمرگی، تعلل، سرگردانی، بی‌برنامگی، انحراف یا گمراهی نسبت به مقصد یا اهداف نهایی باقی نخواهد ماند و از این حیث مجلس جدید تحت فشار مثبت نیروهای انقلاب برای حرکت و تلاش در دست و اصولی، واجد برنامه‌ها و سیاست‌های مشخص خواهد شد.

در پاسخ به کسانی که این کار را مداخله در کار مجلس تلقی می‌کنند، باید گفت از نظر کلی نقد این افراد بی‌وجه نیست، اما آنچه در این نقد، در نظر گرفته نشده است، اقتضات شرایط تاریخی جامعه است. در حالت معمول و عبادی قضا تعریف رابطه‌ای بدین شکل میان صحابی انقلاب یا جامعه و مجلس می‌تواند مشکل ساز و منفی و بازدارنده باشد، اما در وضعیت که جامعه‌ای انقلابی در حال شکل‌گیری و شکل دهی به کلیت یک حرکت انقلابی تاریخ ساز است، تعریف چنین رابطه‌ای یکی از محدود شکل‌های ممکن رابطه میان مجلس و نیروهای انقلاب است که امکان عملکرد درست مجلس و انجام اهداف مربوط به آن در این شرایط تاریخی را می‌دهد و مانع از شکل‌گیری مجدد وضعی خواهد شد که پیش از این شاهد بودیم. این رابطه بالاخص از منظر اقتضات خاص گام دوم انقلاب، ضرورتی مضاعف می‌یابد، زیرا گام دوم اساساً تعریف و

ماهیتی خاص و ممتاز نسبت به مرحله فاقد مهار پیشین خود دارد.

بعد از این مجمل که صرفاً بیان طرح گونه‌ای از الزامات و استلزامات عملکرد درست مجلس مطابق اقتضات خاص کنونی انقلاب بود، به نمونه‌ای از آنچه می‌تواند در این چارچوب و در این آغازین مراحل شکل‌گیری مجلس انجام گیرد، اشاره می‌شود که درگیری و سوق دادن نیروهای نگهبخته در جریان فعالیت‌های انتخاباتی به سمت انجام آن زمینه و بستری را برای شکل دهی به این رابطه تازه یا هدایتگری انتقادی صحابی عام انقلاب نسبت به مجلس تازه نیز فراهم می‌سازد.

این طرح اقدامی است که انجام آن همزمان از همین آغاز به شکل‌گیری مواجهه انتقادی نیروهای انقلاب با منتخبان مردم منجر خواهد شد. به علاوه، این حرکت مشخص خواهد کرد که نیروهای فعال در جریان تلاش‌های انتخاباتی بنا ندارند که رابطه سنتی موجود در این زمینه را ادامه داده و با انتخاب نمایندگان به خانه‌های خود رفته و منتخبان را به دست خود و تقدیرات یا بازی‌های معمول سیاست بسپارند و در پایان دوره چهارساله مرحله تازه‌ای از این چرخه معیوب را ناامیدانه آغاز کنند و تحولات را به دست احتمالات و تقدیر بسپارند.

به هر حال، طرح یا اقدام مذکور می‌خواهد از همان آغاز نمایندگان ملت دردیاند که این بار مردم خوارشان رابطه تازه‌ای بسا منتخبان خود هستند و به همین دلیل این رابطه تازه را دقیقاً از جایی آغاز می‌کنند که نمایندگی در معنای رسمی آن آغاز می‌شود یعنی تأیید یا رد اعتبارنامه‌های نمایندگان. مرحله تأیید یا رد اعتبارنامه‌های منتخبان توسط خود آنها در هر دوره مکمل فرآیند مقدس و با برکتی است که شورای نگهبان محترم با انجام نظارت استصوابی در تأیید یا رد نامزدی افراد متقاضی ورود در چرخه انتخابات و نمایندگی آن را به طور بنیادین و پایله‌ای آغاز می‌کند. اهمیت این مرحله تکمیلی در محدودیت‌هایی نهفته است که شورای نگهبان در انجام نام تمام را کامل بررسی صلاحیت‌های متقاضیان با آن مواجه است. این مرحله در عین آنکه می‌تواند کاستی‌های نظارت شورای نگهبان را تا حد ممکن بپوشاند، این کار را به شکلی انجام می‌دهد که به هیچ روی جنجال آفرینی‌هایی که با انجام آن غوغا سالاران، فشار شدیدی بر بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای محترم نگهبان می‌گذارند تمام نیست، زیرا این کار به شکل درونی و توسط خود نمایندگان انجام می‌شود.

بنابراین هدف اقدامی که در چارچوب طرح موضوع در همین ابتدای شکل‌گیری مجلس انجام دهد به همت صحابی عام انقلاب اجرا می‌شود، تأکید بر اهمیت تکمیلی، اما به شدت ضروری فرآیند تأیید و رد اعتبار نامه‌های منتخبان توسط جمع خود آنان برای دستیابی به مجلسی سالم و پاک است. باید تأکید کرد که با توجه به محدودیت‌های شورای نگهبان در غربالگری، انجام مرحله تکمیلی تأیید و رد اعتبار نامه‌های منتخبان توسط خود آنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد تا مجلس عصاره فضایل ملت باشد. در این چارچوب کاری که صحابی عام انقلاب می‌تواند در سدد انجام آن باشد، آن است که با در نظر گرفتن اهمیت داشتن نمایندگانی سالم و پاک برای انجام درست وظایف نمایندگی و کارکرد درست مجلس، موضوع تأیید اعتبار نامه‌های منتخبان را از امری جزئی و حاشیه‌ای به امری محوری و کانونی بدل سازند. به این منظور در واقع هدف این است که این را به عنوان مطالبه‌ای عمومی درآورد که صداقت و سلامت مجلس از همان آغاز با نوع بر خورود مجلس بسا اعتبارنامه‌های نمایندگان مشخص می‌شود. اگر افرادی که سوابق سوئی داشته‌اند، توسط نمایندگان تأیید و اعتبار نامه‌شان رأی بیابود، این مجلسی مبتنی بر معیارها و ضد فساد و تبعیض و علیه ظلم نیست و قطعاً بسته به میزان اختلال و نقضی که در این فرآیند تکمیلی به وجود آید، مجلسی خواهیم داشت که نه تنها در حل مشکلاتش دچار ضعف و نقصان است، بلکه به احتمال قوی برای جامعه و نظام نیز مشکل را خواهد بود.

بیاید بگوئیم مجلسی پاک و پاک دست، سالم و سلامت آفرین و بدون لکه یا لکه‌های پلیدی و زشتی یا الودگی و فساد بر چهره و دست و پای

نمایندگان شکل دهیم.

■ **جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه**

منبع: مهر